

سخن اول

فصلنامه مطالعات تاریخی

با این شماره، سومین سال زندگی فصلنامه مطالعات تاریخی آغاز می‌شود. حیات دو ساله فصلنامه، آن اندازه بلند نیست که بتوان مختصات آن را ترسیم کرد و گزارشی تفصیلی به دست داد. اما برای انتشار ده شماره، آن هم بدون تأخیر، تلاش پژوهشی و اداری درخوری صورت گرفته که ترسیم برخی از آنها می‌تواند نمایانگر کارنامه این نشریه باشد.

هر چند نخستین شماره فصلنامه مطالعات تاریخی در ابتدای زمستان ۱۳۸۲ منتشر شد، اما تشکیل هیئت تحریریه و برپایی نشستهای هفتگی مستمر و منظم آن از دی ماه ۱۳۸۱ آغاز گردید. تا زمان نگارش این «سخن اول» هیئت تحریریه ۱۳۵ جلسه کارشناسی تشکیل داده، درباره موضوع مقالات، مقالات تهیه شده، درجه بندی علمی آنها، و مهم تر از همه، اسناد و مدارکی که می‌بایست بر مبنای آن به ناگفته‌ها یا کم گفته‌های تاریخ معاصر ایران پرداخت، بحث و بررسی کرده است. بوده‌اند مقالاتی که بیش از یک سال در انتظار تکمیل اسناد به سر برده، رفته رفته به بار نشستند. تولید و چاپ ۸۴ مقاله در حجم ۳۰۰۰ صفحه که عمدتاً به اتکای سندهای منتشر نشده فراهم آمده‌اند، قطعاً در مقیاس پژوهشهای کشوری، کمیتی اندک محسوب می‌شود، اما کیفیت مطالب ارائه شده، گامی به جلو در حوزه تحقیقات تاریخ معاصر است. این اهمیت، زمانی جلوه بیشتری می‌یابد که بدانیم - و می‌دانیم - اصلی‌ترین مراکز پژوهشهای علم تاریخ، یعنی گروههای تاریخ دانشگاههای ایران، همچنان نسبت به تحقیقات تاریخ معاصر، بویژه پنجاه سال منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی، سترون هستند. انتشار ویژه‌نامه به مناسبتهای زمانی یا موضوع واحد، اقدامی بود که از بهار ۱۳۸۴ صورت گرفت. دو شماره در سال، هدف گذاری اولیه هیئت تحریریه برای انتشار ویژه‌نامه است، که اگر حفظ کیفیت و توانایی در استمرار، چاشنی اش شود، هدف کوچکی را نشانه نرفته است.

کاستیهای پیش روی فصلنامه مطالعات تاریخی پنهان نیست. برخی از آنها وجه مشترک همه نشریات تاریخی است و بعضی جنبه اختصاصی دارد. چه بسا مشکلات موجود در پژوهشهای تاریخی و سپس محدودیت امکانات سازمانی از کاستیهای همه گیر به شمار روند، اما گذشته از این

امر ظاهری، نبود نقد و محک جدی، و خلأ چالشهای علمی، محتوای این نشریات را با خطر خود خوب بینی رو به رو کرده است. غیر از این امر باطنی، مدیریتهای موسمی و کم دوام را نیز باید به حساب آورد که از عوامل ناپایداری نشریات تاریخی هستند. اما از کاستیهای اختصاصی، به نداشتن ارتباط مؤثر با گروههای تاریخ دانشگاهها، وسعت کم ارتباط با تاریخ پژوهان داخل و خارج از کشور و توزیع نامناسب فصل نامه اعتراف می کنیم. برای زدودن این کاستیها می اندیشیم و از شما یاری می خواهیم.

۷

هم اینک شمار نشریه هایی که با موضوع تاریخ معاصر منتشر می شوند، شاید به پانزده عنوان برسد. اگر این نشریات - که غالباً فصل نامه هستند - به موقع نشر یابند، هر سال، شصت شماره نشریه تخصصی درباره تاریخ معاصر ایران به جامعه عرضه می شود. این کمیت برای کشوری که با ابراز پرسشهای تازه، خواهان بازخوانی تاریخش است، کافی به نظر نمی رسد، اما مبنای قابل قبولی برای رسیدن به نقطه مطلوب است. نگاهی گذرا به سیر انتشار نشریات تاریخی نشان می دهد که تحرک، در آنهایی که از پشتوانه اسنادی برخوردارند، بیشتر است. بنابراین اگر بتوان فرصتی یکسان برای دست یابی به اسناد برای این جراید فراهم کرد، امکان رقابتی پدید می آید که از عوامل توسعه است، و به گسترش کمی و کیفی این دسته از مطبوعات منجر می شود.

فصل نامه مطالعات تاریخی به نوبه و سهم خود، آرزومند ورود به ساحتی است که تحقیقات تاریخی فارغ از عرض و طولهای تحدید کننده آغاز و انجام یابند.